

سیمای ویژگی‌های انسان مطلوب

از دیدگاه تربیتی اسلام

دکتر اکبر رهنما

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

چکیده

بررسی ویژگی‌های انسان مطلوب و ارایه الگویی برای آن، یکی از اساسی‌ترین گام‌های طراحی برنامه تربیتی کارآمد است، چرا که غایت اصلی آموزش و پرورش تربیت انسان مطلوب است. از آنجا که انسان مطلوب هر فرهنگ و مکتبی با انسان مطلوب دیگر فرهنگ‌ها متفاوت است، ضروری است پیروان هر مکتب و فرهنگی برای تدوین نظام تربیتی کارآمد و مطلوب خود، در مرحله اول به ترسیم سیمای انسان مطلوب فرهنگ خود بپردازند. این مقاله بر آن است شمای کلی از ویژگی‌های انسان مطلوب در اسلام را ترسیم کند. برای دستیابی به این هدف، نخست هدف غایی پرورش انسان از دیدگاه اسلام را بررسی و در ادامه مراحل رشد و تکامل انسان در مسیر رسیدن به هدف غایی مورد نظر را ترسیم و در پایان ویژگی‌های اعتقادی، اخلاقی و عبادی دانش آموزان در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را بیان کرده است.

واژه‌های کلیدی

انسان مطلوب، مراحل تربیت، اسلام.

مقدمه

بررسی ویژگی‌های انسان مطلوب و ارایه الگو و طراحی آن، شاید یکی از اساسی‌ترین گام‌های تربیتی باشد، چرا که غایت اصلی آموزش و پرورش ساختن و پرورش انسان است و این مهم، حاصل نمی‌شود مگر در سایه روشنگری‌هایی که محصول و ره‌آورد ترسیم چهره مطلوب از انسان، در قالب نظام‌های تربیتی است.

آموزش و پرورش، از یک سو به عنوان بخشی از فلسفه عملی، خود از حوزه‌های معرفتی علوم مختلف برای رسیدن به هدف‌های خود بهره می‌گیرد و در تعیین ایده‌آل‌ها، کمال مطلوب‌ها و اهداف غایی آن، فلسفه و ادیان بیشترین اثر را بر جای می‌گذارند. به عنوان مثال، در تاریخ آموزش و پرورش مغرب زمین، فلسفه‌های تربیتی «ایده‌آلیسم»، «پراگماتیسم» و «اگزیستانسیالیسم» در جهت روشن ساختن مبانی انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی و معرفت‌شناختی آموزش و پرورش آن دیار، تأثیرات قابل توجهی بر جای گذاشته‌اند و در فرازهایی از تاریخ غرب و عمدتاً در قرون وسطی، هدف‌های تربیتی و آرمان‌های مربوط به انسان مطلوب، از مبانی دینی (مسیحیت) الهام و تأثیر پذیرفته است.

با عنایت به گستردگی و عمق بحث‌های انسان‌شناختی و ترسیم ویژگی‌های «انسان کامل» از دیدگاه اسلام، رویکردها و چشم‌اندازهای متفاوت انسان‌شناختی از قبیل انسان‌شناسی کلامی، عرفانی و فلسفی را می‌توان طرح و مورد بحث و بررسی قرارداد. اما در مقاله حاضر، تلاش شده است برای محدود کردن دامنه بحث، «تفسیر المیزان» اثر علامه فقید محمدحسین طباطبائی (ره) ملاک و مستند اصلی بررسی قرار گیرد. دلیل این انتخاب نیز آن است که به نظر نگارنده، این اثر به چند دلیل می‌تواند ما را به مقصود مورد نظر، که ارایه طرحی از ویژگی‌های تربیتی انسان در اسلام است، یاری رساند:

۱. در تفسیر المیزان، می‌توان به دو بعد نظری و عملی طرح ویژگی‌های انسان مطلوب دست یافت؛ به ویژه از آن نظر که ابعاد اعتقادی، اخلاقی، عبادی و آداب تربیت، به صورت مفصل با استناد به آیات قرآنی در این تفسیر بررسی شده است.

۲. تفسیر المیزان از جامعیتی برخوردار است که سایر تفاسیر فاقد آن هستند. دلیل این امر، اشراف و احاطه صاحب این تفسیر بر آیات قرآن است، طوری که شیوه تفسیری غالب در آن، استفاده از روش «تفسیر قرآن با استفاده از قرآن» است و به همین

جهت، در ارایه مستندات و شواهد مربوط به آیات در یک موضوع خاص، شواهد فراوانی از آیات الهی، کلام سایر مفسران و حتی احادیث و روایات مربوطه نقل شده است.

۳. تفسیر المیزان، صبغه‌ای شیعی دارد و به همین دلیل، بررسی‌های مستند به آن، با جامعه شیعی ما قابلیت انطباق فراوانی دارد و به نظر می‌رسد در ارایه طرحی از ویژگی‌های انسان مطلوب در شرایط کنونی، واقع‌بینانه‌تر و عقلانی‌تر به نظر آید. در مقاله حاضر، سعی شده است برای حفظ امانت علمی، از تفسیرهای شخصی پرهیز شود و تا حد امکان، به منظور اصلی صاحب تفسیر استناد گردد.

طرح مسئله: حیات طیبه، هدف کانونی اسلام در پرورش انسان

به نظر می‌رسد که حیات طیبه و زندگانی پاک، در بینش اسلامی، به عنوان هدف غایی پرورش انسان مطلوب در قرآن کریم مطرح باشد. اگر این نتیجه‌گیری درست باشد حیات طیبه می‌تواند هدف کانونی پرورش انسان مطلوب تلقی شود. این نوع از زندگی، براساس نصوص قرآنی، به‌ویژه حیات دنیوی انسان‌هاست و به همین جهت نصیب بندگان مؤمن خدا می‌شود. ثمره به سر بردن در این نوع از حیات و نتیجه طبیعی آن، «جنت» و «رضوان» حق تعالی در آخرت است. و به یک معنا، تضمین کننده سعادت دنیا و آخرت هر مؤمن، دستیابی او به حیات طیبه است.

در اسلام، همه معارف، اصول اخلاقی و احکام، ناظر به مسئله طهارت و نجاست‌اند. «اصل توحید»، «طهارت کبری» تلقی شده و اگر کسی به خدا شرک ورزد، طهارت وجودی خویش را از دست داده است. هم‌چنین سایر معارف و مسایل اخلاقی و احکام نیز، از این حیث، طهارت محسوب می‌شوند و به هر میزان التزام بیشتر باشد، طهارت وجودی بیشتری در انسان حاصل می‌شود (طباطبایی، ج ۲، ص ۱۲). طهارت در این معنای وسیع که شامل اعتقادات، اخلاق و اعمال می‌شود، یک هدف غایی در تربیت اسلامی است (باقری، ۱۳۷۴، ص ۵۶).

گوهر اصلی «حیات طیبه» مفهوم ذاتی آن، «ایمان» است؛ ایمانی که با عمل صالح

قرین شده و فرد مؤمن را به حیاتی طیب و پاک رهنمون می‌شود: «من عمل صالحا من ذکر أو أنثی وهو مؤمن فلنحیینه حیاه طیبه؛ هرکس عمل صالح انجام دهد، چه مرد و چه زن، درحالی که ایمان داشته باشد، ما به‌طور قطع او را به‌حیاتی طیب زنده می‌کنیم». (نحل، ۷)

اعطای حیات طیبه، وعده جمیلی است که خداوند به زنان و مردان مؤمنی که عمل صالح انجام می‌دهند، داده است و در این فضل و رحمت، بین مرد و زن تفاوتی نیست، این خود خلاف سنت پیشینیان است چرا که یهود و نصارا، زنان را در پایه‌ای فروتر از مردان قرار می‌دادند. در مقابل اعطای حیات طیبه به انسان‌های مؤمن، خداوند در مورد انسان‌های فاقد ایمان می‌فرماید: «لهم قلوب لا یفقهون بها ولهم أعین لا یبصرون بها ولهم آذان لا یسمعون بها أولئک کالأنعام بل هم أضل أولئک هم الغافلون؛ آن‌ها دل‌هاشان قساوت گرفته و فهم نمی‌کنند و آنها چشم دارند ولی نمی‌بینند، گوش دارند ولی نمی‌شنوند، آنها مانند چارپایان و بلکه از چارپایان پست‌ترند» (اعراف، ۱۷۹).

نکته مهم در خصوص معنای «حیات طیبه» آن است که این نوع زندگانی، در همین دنیا و در حیات شخصی و اجتماعی انسان‌ها قابل تحقق است و دارای آثار وجودی حقیقی‌ای است که می‌تواند دارندگان چنین حیاتی را به نشئه‌ای از وجود وارد کند که گویی از حیات مادی و متعارف بسیار برتر و متعالی‌تر است؛ به نحوی که در سایه بهره‌گیری از آن، گویی مؤمنان ره‌یافته، با استعانت از فروغ تأییدات الهی، در بین خلاق و عالمیان با مشعلی از نور هدایت ره می‌سپرنند: «أو من کان میتا فأحییناه وجعلنا له نورا یمشی به فی الناس؛ آیا کسی که مرده بود و ما او را زنده کردیم و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم آمد و شد کند، مثل کسی است که...» (انعام، ۲۲).

در تفسیر معنای نور مورد اشاره در آیه، گفته شده است که این نور، قطعا نور عملی است که فرد به وسیله آن به سوی حق راه می‌یابد و به اعتقاد و عمل صالح نایل می‌گردد (طباطبایی، ج ۱۲، ص ۴۹۲).

گستره آثار حیات طیبه، بسیار فراخ‌تر از دایره دید انسان‌هاست و به فرموده خداوند، عیش طیب‌تر و عاقبت خوش‌تر در نزد پروردگار است: «الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب».

با این وجود، حیات طیبه بر جنبه‌ها و جلوه‌های مختلف وجود این جهانی نیز سایه افکنده و آن جنبه‌ها را جلوه‌ای نورانی بخشیده و به درخشش درمی‌آورد. این جنبه‌ها، شامل سه قلمرو اصلی: «معارف حقه الهی (اعتقادات)»، «اخلاق کریمه (اخلاقیات)، و «اعمال صالحه (عبادات و آداب)» هستند.

به این ترتیب، حیات طیبه با تمام آثار و برکات حقیقی که در زندگی افراد مؤمن دارد، در طرح انسان‌شناسی مطلوب موردنظر در این نوشته، به یک نقطه کانونی و هدف غایی تبدیل می‌شود، که در سه گستره: اعتقادات، اخلاق و اعمال (عبادات و احکام) مورد بررسی قرار می‌گیرد. این قلمروهای سه‌گانه، در واقع سه‌زمینه اصلی دینداری و دین‌ورزی را تشکیل می‌دهند؛ برای تحقق اهداف تربیتی اسلام در سه زمینه یاد شده و همچنین اتخاذ رویکرد واقع‌بینانه در حصول به ویژگی‌های انسان مطلوب، لازم است قلمرو اساسی دین‌ورزی، با طرح منازل و مراتب (مراحل) تربیت در اسلام ترکیب شوند تا به کمک آن، طرح واقع‌بینانه‌ای از ویژگی‌های انسان مورد نظر اسلام ارایه شود که از آرمان‌پردازی و کلی‌گویی دور بوده و در مقاطع مختلف آموزشی (ابتدایی، راهنمایی، متوسط) قابل تحقق باشد.

طرح مراحل و منازل تربیت در اسلام

طرح مراحل و منازل تربیت، از آن جهت ضرورت دارد که انسان مطلوب و آرمانی دین، از حالت انتزاعی و آرمان‌گرایانه بیرون آمده و در بستر واقعیت‌های حیات دنیوی و ظرف‌های وجودی آدمی، که در هریک از مراحل تربیت متفاوت است، مطرح می‌شود تا قابلیت تحقق آن بررسی شود. مستند اصلی این نوشته، به منظور تعیین مراحل و منازل مختلف در رسیدن به انسان مطلوب در چارچوب نظام تربیتی اسلام، تقسیم‌بندی صاحب‌المیزان در خصوص مراحل و مراتب چهارگانه اسلام است. (همان، ج ۱، ص ۴۶۶-۴۵۴).

علاوه بر آن، در این تقسیم‌بندی، به مراحل: اسلام، ایمان، تقوی و یقین. مندرج در دیدگاه‌های یکی از صاحب‌نظران (باقری، ۱۳۶۹) نیز استناد شده است.

مرتبۀ اول: اسلام

مرتبۀ اول اسلام، همان پذیرفتن ظواهر اوامر و نواهی خداست که با ذکر زبانی شهادتین حاصل می‌شود، گرچه فرد از لحاظ باطنی به مضمون شهادتین واقف نشده باشد. این مرتبۀ اول از اسلام، ایمان متناسب با خود را می‌طلبد که عبارت است از اذعان به مضمون اجمالی شهادتین، که لازمه‌اش عمل به غالب احکام فرعی است.

مرتبۀ دوم: ایمان

در این مرحله، مراد از اسلام، تسلیم قلبی به بیشتر اعتقادات به صورت تفصیلی است و لازمه آن، انجام اعمال صالح از جانب بندگان خداست. خداوند متعال در مورد این مرحله از اسلام می‌فرماید: «الذین آمنوا بآياتنا وكانوا مسلمین؛ آنانکه به آیات ما ایمان آورند و مسلمان بودند» (زخرف، ۷۰).

مرتبۀ سوم: تقوا

در این مرتبۀ سوم، مقصود از اسلام، تسلیم بودن تمام قوا و کشش‌های درونی و رفتارها به ضوابط و آداب درونی و بیرونی است و تسلیم در این مقام، تسلیمی است ظاهری و باطنی. در این مرحله، چون نفس آدمی با ایمان انس لازم را پیدا می‌کند و متخلق به اخلاق می‌شود، خود به خود سایر قوای منافی و متضاد با اخلاق حسنه، از قبیل قوای بهیمی و سبعی برای نفس رام می‌شود و فرد به آسانی می‌تواند از هواهای دنیایی و زینت‌های فانی و ناپایدار دست کشیده و خود را از بندگی آنها برهاند.

ایمان متناسب با این مرتبۀ سوم، با اخلاق فاضله شامل: رضا و تسلیم، سوداگری با خدا و صبر در راه خدا، زهد به تمام معنا و حب و بغض به خاطر خدا، مرتبط است.

مرتبۀ چهارم: یقین

مرتبۀ چهارم از اسلام، حال و مقام فردی است که در برابر پروردگارش، عبد مملوک در برابر مولای مالک است؛ یعنی به صورت دائمی مشغول انجام وظیفه عبودیت است؛ آن

هم عبادت و عبودیت شایسته که همان تسلیم محض در برابر اراده مولا و محبوب و کسب رضایت او است. این مرحله از اسلام، حاصل اراده آدمی نیست، بلکه موهبتی است که خداوند آن را به کسانی که به اوج مرتبه سوم از اسلام نایل شده‌اند، ارزانی می‌دارد. جمله: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمَنْ ذَرَيْتَنَا أَمَّهُ مُسْلِمًا لَكَ وَارْنَا مَنَاسِكَنَا» که از زبان ابراهیم(ع) نقل می‌شود اشاره به همین مرتبه از اسلام دارد که در واقع کامل‌ترین مرتبه آن است.

با نظری اجمالی به طرح مراحل چهارگانه «اسلام - ایمان» درمی‌یابیم که اگر «تربیت» و «انسان‌سازی» بخواهد با عنایت به این مراحل آغاز شود، باید منتظر رسیدن کودکان به سن تکلیف شرعی باشیم که تقریباً مصادف است با سن بلوغ جسمانی در آنان؛ چرا که مرحله نخست اسلام که ذکر شهادتین و عمل به ظواهر دینی است، تقریباً در این سنین مطرح می‌شود، درحالی‌که فرآیند تربیت، از همان اوان کودکی شروع می‌شود و سنین پیش بلوغ، به عنوان زمینه‌ها و بسترهای تمهیدی تربیت، نقش بسیار مهمی در پرورش کودکان و نوجوانان دارد. پس لازم است قبل از مراحل چهارگانه ذکر شده، به سن «تأدیب» نیز اشاره‌ای شود و از آن با عنوان «مرحله تأدیب» یاد گردد.

در این بیان «تأدیب» که قبل از «تربیت» آغاز می‌شود، به عنوان عامل زمینه‌ساز اصلی برای تربیت عمل می‌کند و از همان سنین اولیه، باید توسط والدین و مربیان آغاز شود. به همین منظور، به نظر می‌رسد قبل از طرح مراحل چهارگانه «اسلام - ایمان»، نیازمند دوره‌ای به نام دوره «تمهید» یا آماده‌سازی هستیم تا طی آن، کودکان با این که به سن تکلیف نرسیده‌اند و درقبال عدم انجام تکلیف شرعی مؤاخذه نمی‌شوند با فضای تکلیفی شرعی و تربیتی آشنا شوند تا به تدریج آمادگی پذیرایی تکالیف را در سنین بعدی بیابند. محدوده این مرحله (مرحله تمهید)، از هنگام تولد (و بلکه پیش از آن) تا زمان بلوغ شرعی را در برمی‌گیرد. عنوان تمهید، به آماده‌سازی کودک برای ورود به قلمرو اصلی تربیت اشاره دارد. جهت‌گیری عمده در این مرحله، فراهم‌آوردن زمینه‌های مناسب برای تربیت‌پذیری و برجیدن زمینه‌ها و عوامل تهدیدکننده آن است، طوری که کودک هنگامی که به سن تکلیف قدم می‌گذارد، کفایت مطلوب در آنها را به دست آورده

باشد. نشانه این کفایت نیز آن است که کودک بتواند با موفقیت به مرحله یا مرتبه اول اسلام گام بگذارد.

جدول زیر، الگوی پیشنهادی طرح تربیتی ویژگی‌های انسان مطلوب در اسلام را به اجمال نشان می‌دهد.

مقطع تحصیلی	محدوده سنی	مراحل تربیت
پیش از دبستان و دوره اول دبستان (کلاس های پایه اول تا سوم ابتدائی)	از تولد تا سن بلوغ شرعی	۱. مرحله تمهید
دوره دوم دبستان (پایه‌های چهارم و پنجم ابتدائی) و دوره راهنمایی	از سنین بلوغ تا ۱۸ سالگی	۲. مرحله اسلام
دوره متوسطه	از ۱۸ سالگی به بالاتر	۳. مرحله ایمان
-----	سنین بالاتر	۴. مرحله تقوی
-----	سنین بالاتر	۵. مرحله یقین

به این ترتیب مشاهده می‌شود که در طرح پیشنهادی حاضر، سه مرحله (دوره) اصلی، شامل: «مرحله تمهید» (از تولد تا سن بلوغ شرعی) که منطبق با سال‌های پیش دبستانی و دوره تحصیلات دبستانی است، «مرحله اسلام» که از زمان بلوغ شرعی تا تقریباً پایان دوره بلوغ ادامه دارد و منطبق با دوره دوم تحصیلات دبستانی و تمام دوره راهنمایی است و «مرحله ایمان» که از سنین ۱۶-۱۵ سالگی به بعد را دربرمی‌گیرد و تماماً منطبق با دوره دبیرستان است، در نظر گرفته شده و مرحله «تقوا» و «یقین» به علت این که در چارچوب محدوده سنی معینی قرار نمی‌گیرد و درجات بالایی از اسلام را شامل می‌شوند، در این طرح کمتر مطرح شده‌اند. البته این بدان معنا نیست که دانش‌آموزان دوره آموزش عمومی، قادر به کسب این درجات رفیع دینداری نیستند،

بلکه به جهت رعایت جنبه واقع‌بینی و این‌که در طول دوره آموزش عمومی باید انتظارات با واقعیت‌های وجودی شاگردان منطبق باشد، طرح این گونه پیشنهاد شده است. در هر یک از مراحل و منازل تربیتی ذکر شده، انتظاراتی از نقش‌های مختلف شاگردان مشخص و معین می‌شود: به عبارتی، هر فرد (دانش‌آموز) در هر یک از این مراحل، با مجموعه‌ای از تکالیف (وظایف) دینی در سه قلمرو اصلی حیات طیبه که شامل اعتقادات، اخلاقیات و اعمال و کردار دینی است، روبه‌رو می‌شود که به اختصار در جدول صفحه بعد نشان داده شده است. در این بخش از مقاله، به توضیح مختصر طرح پیشنهادی یعنی «سیمای ویژگی‌های انسان مطلوب از دیدگاه تربیتی اسلام» می‌پردازیم. (این چارت در پایان مقاله ترسیم شده است).

گستره حیات طیبه

اعتقادات

بخش اعتقادات، مانند شاه‌بیت دینداری و دین‌ورزی عمل می‌کند و در پرتو معارف حقه الهی و عقاید مطهره است که سایر بخش‌های حیات مؤمن، مانند اخلاق و عملش، روشنی و جلا پیدا می‌کند. محور اساسی اعتقادات یک فرد مسلمان، به اصل «توحید» برمی‌گردد و به همین سبب، از توحید به عنوان «طهارت کبری» یاد می‌شود و کسی که از طرح توحیدی تبعیت نکند، مصداق مشرک را پیدا کرده و طهارت وجودی خویش را از دست می‌دهد.

درون‌مایه اصلی اعتقادات یک فرد مسلمان، عنصر «ایمان» است؛ ایمان به این‌که تنها خدای سبحان است که تأثیرگذار است و بدون ارتباط با آن منبع‌لایزال، هیچ موجودی از شأن مستقلی در وجود و ادامه آن برخوردار نیست. حیات طیبه نیز به عنوان یک هدف غایی تربیتی، در سایه ایمان به دست می‌آید و ایمان، خود به درجات و مراتبی تقسیم می‌شود. قرآن کریم در آیات ۱ تا ۶ سوره «انفال»، به این صفات و درجات اشاره نموده است.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ترجمت اسلامی ۱۱

«ابرار» در منطق قرآن، آنانی هستند که از مرتبه والای ایمان و عقیده برخوردارند: «الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم أولئک لهم الأمن وهم مهتدون؛ کسانی که ایمان آوردند و ایمان خود را با ظلم نیامیختند، تنها اینان هستند که دارای امنیت و هم راه یافتگان‌اند» (انعام، ۸۲).

«الذین آمنوا وتطمئن قلوبهم بذكر الله ألا بذكر الله تطمئن القلوب (رعد، ۲۹)؛ و«إن الذین آمنوا وعملوا الصالحات یهدیهم ربهم بإیمانهم» (یونس، ۱۰).

اخلاقیات

اخلاق (Ethics) و پرورش اخلاقی (Moral education) از فصول با اهمیت در مقوله دین‌ورزی و تربیت دینی است،... از دیدگاه دین مبین اسلام که هدف بعثت رسول گرامی‌اش تهذیب اخلاقی و تتمیم و تکمیل فضایل و مکارم اخلاقی است؛ «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق».

منطق ویژه قرآن کریم در تهذیب اخلاقی، آن است که انسان‌ها را تا به آن پایه از اوصاف جمیله اخلاقی رهنمون سازد، که دیگر هیچ محلی یا موضوعی برای رذایل اخلاقی باقی نماند.

به بیان دیگر اوصاف رذیله و خوی‌های ناستوده را از طریق رفع از بین می‌برد نه از طریق دفع؛ یعنی اصلاً اجازه نمی‌دهد که رذایل به دل‌ها راه یابد. مؤمن در برخورد با چنین منطقی، صفات اخلاقی همچون تقوا، عزت، مناعت طبع، کبریا، غنای نفس، هیبت الهی و ربانی را در نظر می‌گیرد و براساس توحید خالص و کامل الهی عمل می‌نماید. بدینسان در روش برخورد قرآن با مقوله اخلاق و تربیت اخلاقی، هدف تربیت اخلاقی، که همان کسب فضایل انسانی است به یک هدف تازه تبدیل می‌شود که «نظر به وجه‌الله است؛ در این پایه، ما با «اخلاق محبان» رو به رو هستیم که در آن از منطق مرید و مرادی پیروی می‌شود: «الذین آمنوا أشد حبا لله؛ آنها که ایمان دارند، خدا را بیشتر دوست دارند.» (بقره، ۱۶۵).

رابطه اخلاق کریمه و توحید

اخلاق کریمه‌ای که قرآن داعی آن است، ارتباط و پیوند وثیق با اصل توحید دارد، بدین شیوه که توحید، اصلی است که درخت سعادت آدمی را رشد داده و شاخ و برگ اخلاق کریمه را در آن می‌رویاند و آن شاخه‌ها را بارور ساخته، جامعه بشریت را از میوه‌های گرانبها بهره‌مند می‌سازد (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴، ذیل ابراهیم، آیات ۲۶-۲۴). در جای دیگر، خداوند سبحان می‌فرماید: «إِليه يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح يرفعه؛ سخنان خوب (کلمات نیکو) به سوی او صعود می‌کند و عمل‌های شایسته آنها را بالا می‌برند (فاطر، ۱۰).

تزکیه و تهذیب نفس

اخلاق کریمه مورد نظر اسلام و قرآن، بدون تزکیه، تهذیب، مراقبه و محاسبه نفس حاصل نمی‌شود: «يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغد؛ ای گروه مؤمنان، نسبت به خدای تعالی تقوا بورزید و او را فراموش نکنید و مراقب اعمال خود باشید، از این حیث که برای فردای خود چه فراهم آورده‌اید» (ممتحنه، ۱۸). در این راستا، خدای تعالی می‌تواند راه مطمئنی جهت تزکیه نفس باشد یادی که لایق ساحت عظمت کبریایی اوست. حاصل این ذکر، رساندن بنده به کمال عبودیت است. بر اثر چنین مجاهدت و مبارزه نفس در انسان، صفات اخلاقی ویژه‌ای نظیر خضوع، استعانت، فقر در برابر ساحت عظمت، عزت و غنای خداوند عزوجل پدیدار می‌گردد و پایان راه، به فلاح و رستگاری مؤمن در سایه تزکیه نفس منتهی شود: «قد أفلح من تزكى وذكر اسم ربه فصلى» (اعلی، ۱۴-۱۵)

عبادات و اعمال

عبادات و اعمال، به طور کلی، به مجموعه شعائر و اعمال و کرداری که از یک مسلمان مؤمن در چارچوب شرع مقدس اسلام انتظار می‌رود، اشاره دارد و بدیهی است که بخش مهمی از دین‌ورزی، انجام همین شعائر دینی است.

مفهوم خاص تر «عبادات»، به واجبات اکید دینی مانند نماز، روزه، حج و... و «عمل» به کردارهای شایسته از آداب معاشرت گرفته تا کردارهایی چون تعاون، انفاق، دعا کردن به درگاه حق، توکل، شکر، دروغ نگفتن، غیبت نکردن و بسیاری از اعمال و کردار از این دست اطلاق می‌شود.

تزکیه و تطهیر، هدف کانونی عبادات و اعمال دینی

اعمال دینی که بسیاری از آنها جنبه عبادی دارند و در قالب احکام دینی بیان شده‌اند، انجام دادن یک رشته حرکات و سکنتات ظاهری، بدون توجه به هدف اصلی آنها، عمل دینی دانسته نمی‌شود. در منطق ویژه دین اسلام، که تأکید زیادی بر انجام اعمال عبادی دینی دارد، این امور، به منظور تزکیه و تطهیر انجام می‌گیرند. حق تعالی به منظور تطهیر و تزکیه وجود انسان‌ها در مسیر ربوبی شدن آنها عبادات و اعمال ویژه‌ای را برای مؤمنین تجویز کرده است که از آنها با عنوان کلی «تکلیف شرعی» یاد می‌شود و به محض رسیدن فرد به سن تکلیف، انجام آنها الزامی می‌شود و در قبال عدم انجام آنها، مؤاخذة و محاسبه می‌شوند.

خداوند در این باره می‌فرماید: «ولکن یرید لیطهرکم؛ اما خداوند اراده کرده است که شمارا پاک کند» (مائده، ۶).

و یا: «خذ من أموالهم صدقة تطهرهم وتزکیهم؛ ای پیامبر از اموال آنان صدقه‌ای بستان تا آنان را پاک و مطهر گردانی» (توبه، ۱۰۲).

و یا «فیه رجال یحبون أن یتطهروا؛ در این مساجد، کسانی هستند که شایسته و خواهان پاک شدن هستند» (توبه، ۱۰۸).

به این ترتیب، درمی‌یابیم که هدف اصلی وضع احکام و درخواست اعمال و عبادات دینی، تطهیر و تزکیه انسان‌هاست و حق تعالی حاجتی به عبادات و اعمال بندگان خود ندارد.

عنصر بنیادی و کارساز اعمال دینی، نیت‌های نهان آن است که ملاک اصلی پذیرش این اعمال در نزد خداوند است. انجام اعمال صالح همراه با نیت‌های خالص، در

سازندگی و تربیت انسان‌ها بسیار مؤثر است. به همین جهت، در پیش اسلام، بر کمیت (مداومت) و کیفیت (محافظت) این اعمال تأکید فراوانی شده است. برخی از جریان‌های انحرافی در دین، از ناحیه ترک واجبات و اعمال دینی، آسیب‌های فراوانی بر دین‌ورزی در جامعه مسلمین وارد کرده‌اند.^۱ برخلاف چنین اندیشه‌هایی که اعمال دینی و احکام ناظر بر آنها را بی‌اهمیت تلقی می‌نمایند، عمل به احکام و انجام شعائر دینی، با توجه به موازین و معیارهای لازم، جایگاه پراهمیتی در معارف اسلامی داشته و بخش عمده‌ای از فقه اسلام را تشکیل می‌دهد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برای طرح ویژگی‌های انسان مطلوب از دیدگاه اسلام، با توجه به گستردگی نظرگاه اسلام از ابعاد عرفانی، کلامی، فلسفی و...، در این مقاله، تفسیر شریف «المیزان» در اشاره به ویژگی‌های انسان مطلوب و مراحل و منازل رسیدن به کمال به منظور معرفی الگوی دینی پرورش انسان مطلوب، مورد بررسی قرار گرفت. طی بررسی نشان داده شد که «حیات طیبه» به عنوان هدف غایی تربیت اسلامی، نقطه کانونی مناسبی است که می‌تواند جهت‌گیری کلی و غایی فعالیت‌های آموزشی و پرورشی را در مقاطع مختلف تحصیلی متوجه خود نماید.

خلاصه و نتیجه‌گیری بحث و بررسی در جدول «الگوی پیشنهادی» آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مانند «فرقه باطنیه» که معتقد بودند باطن دین مهم است و به همین جهت از انجام شعائر و ظواهر دینی دوری می‌ورزیدند.



همانگونه که در جدول الگوی پیشنهادی ملاحظه می‌شود، «اصل توحید» که در بینش اسلامی به «طهارت کبرا» معروف است، محور اصلی حیات طیبه را تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر، سه محور: اعتقادات، اعمال و احکام عبادی و اخلاقیات، به دنبال تطهیر و پاک کردن انسان‌ها هستند. هدف از اعتقادات و باورها، طهارت عقیده، هدف از اعمال و احکام عبادی، تطهیر و تزکیه اعمال برای خدای متعال و هدف از اخلاقیات نیز، تطهیر نفس است که هر سه با یکدیگر ارتباط طولی دارند و طهارت کبرا را محقق می‌سازند؛ یعنی شناخت و تن دادن به اصل اصیل توحید و تن دادن به طرح «ربوبی»، همان معنای اصلی تربیت اسلامی است. در واقع، موجودیت حیات طیبه، به موجود طاهر و واحدی به نام «الله» برمی‌گردد که خود «طاهر مطلق» است و از طریق تکوین و تشریح اراده کرده است که تمام انسان‌ها را پاک و طاهر گرداند: «ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج و لکن یرید لیطهرکم ولیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون» (مائده، ۶).

طرح مراحل تربیت، با این هدف در این نوشته مورد توجه قرار گرفت که خداوند متعال، تکالیف شرعی را با توجه به وسع آدمی و سطوح تحول شناختی، عاطفی و اجتماعی انسان‌ها وضع کرده است: «لا یکلف الله نفسا الا وسعها؛ یعنی حق تعالی از بندگان خود تکلیف مالا یطاق انتظار ندارد. در این خصوص، با توجه به هدف‌های آموزش و پرورش عمومی، به نظر می‌رسد رسیدن به غایت حیات طیبه (انسان مطلوب)، باید از سه مرحله اساسی گذر نماید که شامل مرحله تمهید (بیشتر متناظر با دوره ابتدایی)، مرحله اسلام (بیشتر متناظر با دوره راهنمایی) و مرحله ایمان (بیشتر متناظر با دوره متوسطه) است. در هریک از این مراحل، انسان (دانش‌آموز)، با سه نوع تکلیف مواجه می‌شود؛ تکلیف از ناحیه اعمال و احکام عبادی که خود نمایانگر سه قلمرو اساسی شریعت مقدس اسلام (اعتقادات، اخلاق و احکام) است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۲): *تفسیر المیزان*، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم،

دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد‌های بیست‌گانه.

باقری، خسرو (۱۳۷۴): *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران انتشارات مدرسه.